



فرهنگ واژه‌های سینمایی

(۳)

ترجمه رحیم قاسمیان

allegory

● تمثیل

واژه‌ای که معمولاً در مطالعات ادبی به کار می‌رود، اما گاه در توصیف فیلمی که در آن به‌نظر می‌آید شخصیت‌ها و رویدادها، در رابطه‌ای متناظر، عرضه‌کننده موقعیتی برون از فیلم یا بعضی موقعیتهای اخلاقی فراگیر هستند هم کاربرد دارد. برای مثال فیلم *ممام مردان شاه* (۱۹۴۹) ساخته رابرت راسن را می‌توان تمثیلی از ظهور و سقوط هوئی لانگ فرماندار لوئیزیانا، و نمره اخلاق صفر (۱۹۳۳) ساخته ژان ویگورا هم می‌توان تمثیلی از بیروزی نوجوانان بر دنیای مقتدر بزرگ‌ترها توصیف کرد. خصلت تمثیلی فیلمها گاه بسیار صریح و بارز است، برای مثال *آه مرد خوش‌شانس!* (۱۹۷۳) ساخته لینزی اندرسن چنین ویژگی‌یی دارد و نشانگر ماجراهای يك قهرمان عادی است که با شخصیت‌های مختلفی که هر يك معرف جنبه‌ای از جامعه‌ای غربی‌اند رودررو می‌شود. نیز: مضمون نهانی و نماد (۱).

● شرکت الاید آرتیستز پیکچرز

Allied Artists Pictures Corporation

به سال ۱۹۴۶ و تحت عنوان الاید آرتیستز پروداکشنز، شعبه‌ای از موناگرام پیکچرز، افتتاح شد و تا سال ۱۹۵۳ فیلم‌هایی معمولی تولید کرد و در این سال از تلفیق این دو مؤسسه، شرکت الاید آرتیستز پیکچرز زاده شد. یکی از موفق‌ترین فیلم‌های این استودیو *ترغیب دوستانه* (۱۹۵۶) ساخته ویلیام وایلر بود. این شرکت بعدها عمدتاً به تولید تلویزیونی روآورد، ولی کماکان در رشته فیلمسازی هم فعالیت و از جمله پیام‌مردی که می‌خواست سلطان باشد (۱۹۷۵) جان هیوستی را تهیه کرد. شرکت فوق‌الذکر به سال ۱۹۸۰ اعلام ورشکستگی کرد. نیز: شرکت موناگرام پیکچرز.

alligator, alligator clamp, gator grip

رك.: گیره سوسماری

all-purpose filter

● صافی همه‌کاره

این عبارت معمولاً درباره صافی‌هایی به کار می‌رود که توازن رنگی را به هم نمی‌ریزند (برای مثال: صافی‌های با چگالی خنثی و صافی‌های قطبی‌کننده). این صافی‌ها را صافی‌های یونیورسال هم می‌نامند.

allusion

● کنایه

اشاره‌ای غیرمستقیم به سخنی یا تصویری از شخصی، مکانی، رویدادی یا اثری هنری خارج از فیلم. چنین کنایه‌هایی را می‌توان

● فیلمبرداری هوا به هوا (air-to-air, air-to-air cinematography)

فیلمبرداری از شیئی در پرواز از وسیله دیگری که خود آن هم در حال پرواز است.

aleatory technique

● فن بسته به بخت

صفت «بسته به بخت» را می‌توان در مورد هر رویدادی که براساس شانس یا اقبال رخ دهد به کار برد. در سینما به معنای ضبط صدا و تصویر بدون برنامه‌ریزی قبلی و صرفاً با تکیه بر احتمال و بخت است. این تمهیدی است که غالباً مستندسازان به آن رومی‌آورند تا رفتارهای تمرین نشده و واقعی را در آثار خود ثبت کنند.

aliasing

● افت پاسخ

خطوط و لبه‌های دنداندار قابل رویت در اشکال نه‌چندان پیشرفته حاصل از کار گرافیکی یا کامپیوتری، برای مثال می‌توان به لبه‌های اریب اشاره کرد. نیز: گرافیک کامپیوتری.

Alleflex

● آلفکس

دستگاهی که می‌تواند در هنگام نمایش فیلم صامت، تا پنجاه جلوه صوتی مختلف را ارائه کند.

ambiguity

● دو پهلوگی

وجود ابهام، عدم قطعیت و تضادی نمایان در معنا یا تفسیر اخلاقی شخصیتها و رویدادها در اثر هنری. چنین ابهام و دوپهلویی قاعدتاً ناشی از اشکال یا عدم احتمال درک سرشت انسان یا جهان پیرامون ماست. سهزن (۱۹۷۷) ساخته رابرت آلتمن فیلمی که اصلاً با این دوپهلویی سر و کار دارد تا سرشت ابهام آمیز هویت شخصیتهايش را مطرح کند. مردبدل (۱۹۷۸) ساخته ریچارد راش با طرح قصه‌بازی می‌کند تا ابهام میان واقعیت و توهم را به نظر برساند. البته گاه هم می‌شود که فیلمی به خاطر نواقص آشکار در فیلمنامه، کارگردانی یا تدوین مبهم به نظر می‌رسد. برای مثال مردی که به زمین سقوط کرد (۱۹۷۶) ساخته نیکلاس رگ اساساً اثری دو پهلو است، اما ضعف تدوین هم سبب ابهام بیشتر آن شد.

برای سندیت بیشتر بخشیدن به فیلم مورد استفاده قرار داد، کما اینکه باب فاسی در فیلم کاباره (۱۹۷۲) کنایه‌های بسیاری به رویدادهای آتی سیاسی در آلمان دارد. کاربرد دیگر آن افزودن تضاد و طنز است، برای مثال در صحنه‌ای از **ویریدیاننا** ساخته لوتیس بونسوئل گدایان پس از غارت و تجاوز دور میز شام جمع می‌شوند و تصویری شبیه تابلوی «شام آخر» لئوناردو داوینچی خلق می‌کنند. ۲) اشاره غیرمستقیمی که معمولاً از خلال تصویر یا صحنه‌ای، به فیلم دیگری می‌شود. برخی از فیلمسازان معاصر از این تمهید سود می‌جویند تا نسبت به فیلمسازان دیگر ادای دین کنند، یا با مضامین و احساسات نهفته در آن فیلم به اثر خود غنای بیشتری ببخشند، یا صرفاً تضادی طنزآمیز بین آن فیلم و شخصیتها و موقعیت‌های فیلم خود خلق کنند. برای مثال در فیلمهای فرانسواتروفوی پیتیر بوگدانویچ مجموعه‌ای از این عوامل حضور دارند. نیز: ادای دین.

American Cinema Editors

● تدوینگران سینمای آمریکا

انجمنی صنفی مشتمل بر تدوینگران سینما و تلویزیون، که هر چهار سال یکبار کتابی تحت عنوان **تدوینگران سینمای آمریکا** منتشر می‌کند و در آن آخرین تحولات، دستاوردها و اخبار مربوط به انجمن را به چاپ می‌رساند



American Cinematographer—American Society of Cinematographers

American Cinematographer's Manual—American Society of Cinematographers

American Cinematographer—American Cinema Editors

American Film—American Film Institute

American Film Institute (AFI)

● انستیتوی آمریکایی سینما

سازمانی که به سال ۱۹۶۷ و با کمک مالی دولت و بخش خصوصی تأمین شد و هدف آن حفظ و فهرست‌بندی فیلمها، آموزش دست‌اندرکاران سینما، حمایت از ایجاد هماهنگی در فعالیتهای سینمایی، انجام پژوهشهای علمی و حمایت از فیلمسازان جوان است. دفتر مرکزی این انستیتو در مرکز حفاظت از هنر در واشینگتن دی.سی. است که در آنجا سینمایی هم برای نمایش مرور بر آثار فیلمسازان دارد. مرکز مطالعات پیشرفته سینمایی در بورلی هیلز کالیفرنیاست. این انستیتو ناشر نشریه سینمایی آمریکن فیلم است که ده شماره در سال منتشر می‌شود. در این مجله مقالات متنوعی در مورد سینما و تلویزیون به چاپ می‌رسد و مخاطبان آن عامه مردمند. عضویت در این انستیتو برای تمام دست‌اندرکاران، دانشجویان و تولیدکنندگان آثار سینمایی و تلویزیونی آزاد است.

ambient light

● نور محیط

۱) نور عمومی و حاضر در صحنه که ناشی از منابع نور و سطوح بازتابنده است. ۲) نوری طبیعی که به نظر می‌آید دور و اطراف شخصیتها را روشن می‌کند. ۳) نور عمومی ملایم در سالن سینما که بعد از شروع فیلم، برای آرامش خاطر تماشاگران تأمین می‌شود.

ambient sound

● صدای محیط

صدای طبیعی محیط که در صحنه‌ای به‌گوش می‌رسد. صحنه‌ای که در آن فقط گفت‌وگو شنیده شود، بدون چنین صدایی خالی و تهی حس می‌شود. صدای طبیعی را می‌توان طی فیلمبرداری با میکروفن جداگانه‌ای ضبط کرد یا در مرحله صداگذاری، با استفاده از منابع مختلف، آن را با تصویر مخلوط (میکس) کرد. صداهای محیطی هم لبه صدای خاص خود را دارند که در هنگام مخلوط کردن از آنها استفاده می‌شود. نیز: مخلوط کردن.

● مونتاز آمریکایی

American loop hatham loop
American montage

فنی در تدوین که در آمریکا و به ویژه در سالهای دهه های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ تکوین یافت. در این روش زمان و مکان تا حد ممکن فشرده می شود تا در ظرف مدت کوتاهی و با تکیه به انواع تمهیدات سینمایی از قبیل همگدازی (دیزالو)، برشهای جهشی و برهنمایی (سوپرایمپوز)، رخدادهای زیادی به نمایش درآید. یک نمونه مشهور، ورق خوردن تقویم و پیوستن دو صحنه به همدیگر با این واسطه است که گذشت زمان را نشان می دهد. از تمهید مشابهی برای نمایش اوام و خیالات شخصیتها استفاده می شود. نیز: مونتاز (۵)، برای بحث بیشتر در این زمینه.

● استهلاك

amortigation

عاملی که باید در محاسبه هزینه تمام شده فیلمها مدنظر قرار گیرد. در هزینه تمام شده (هزینه منفی) مسئله استهلاك هم در نظر گرفته می شود و معمولاً تعیین آن با اختلاف نظر همراه است.

● مقدار آمپر

AMPAS—Academy of Motion Picture Arts and Silences amperge

Amperage

قدرت جریان الکتریکی که از تقسیم مقدار وات بر مقدار ولتاژ حاصل می شود.

● تقویت کننده، آمپلیفایر

amplifier

۱) سیستمی الکترونیک که قدرت سینگنال ورودی را افزایش می دهد. ۲) سیستمی که صدای دستگاه ضبط یا پخش را افزایش می دهد.

● انستیتوی آمریکایی استانداردهای ملی

American National Standards Institute (ANSI)

نام فعلی انجمن آمریکایی استانداردها (آسا) است. این سازمان وظیفه تعیین استاندارد برای اندازه، شکل و حجم را در آمریکا، و با هماهنگی با سایر کشورها برعهده دارد. در عرصه سینما، این سازمان مسئول تعیین استاندارد برای مواردی چون اندازه فیلم، اندازه قاب، جای سوراخ حاشیه فیلم و موارد دیگری است که از سوی جامعه مهندسان سینما و تلویزیون پیشنهاد می شود. یکی از معیارهای حساسیت امولسیون فیلم به نور نیز براساس استاندارد اعلام شده از سوی همین انستیتو اندازه گیری می شود که «آسا» نام دارد. نیز: انجمن مهندسان سینما و تلویزیون.

American shot two-shot

● روش برجسته نمایی یا سه بعدی

amaglyph process

فرایندی سه بعدی که در آن دو تصویر از یک شیئی یا منظره، یکی معرف منظر چشم راست و دیگری معرف منظر چشم چپ، از دو دوربین یا یک دوربین مجهز به عدسی استریوسکوپ، روی فیلمهایی با رنگهای متفاوت، معمولاً سبز و قرمز چاپ می شوند و وقتی دو تصویر برهم منطبق می گردند، تصویری برجسته حاصل می آید. تصاویر منطبق شده روی پرده می افتد و اگر با عینکهای مناسب، که هر یک از شیشه های آن به رنگ یکی از دو رنگ تصویر است، به تصویر نگاه کرده شود، تصویر برجسته ای دیده خواهد شد. در دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ از این روش برای تولید فیلمهای کوتاه سه بعدی یا برجسته استفاده می شد، ولی پس از چندی منسوخ شد، چون به این روش نمی شد تصاویر تمام رنگی تهیه کرد. دلیل دیگر نیز خستگی زیادی بود که برای چشم پیش می آمد.

● انجمن آمریکایی فیلمبرداران

American Society of Cinema tographers (ASC)

انجمن صنفی مدیران فیلمبرداری سینما و تلویزیون، شامل حدود ۲۵۰ عضو اصلی و ۶۰ عضو وابسته در عرصه های مربوطه. این انجمن که مرکز آن در هالیوود است، ناشر کتاب مرجع راهنمای فیلمبرداران است که آخرین اطلاعات جدید را در خود دارد. این انجمن در ضمن نشریه ماهانه آمریکن سینما توگرافر را هم منتشر می کند که نشریه ای تخصصی و خواندنی است در مورد جنبه های فنی فیلمسازی. عضویت در این انجمن با دعوتنامه صورت می گیرد و اعضای آن می توانند جلوی نام خود علامت اختصاری (ASC) را بگذارند، اما نشریات این انجمن به طور آزاد به فروش می رسد.

● ترکیب قیاسی تصویر، ترکیب ویدیویی

analog image synthesis, video synthesis

روشی در ترسیم طرحهای کامپیوتری که تنوع وسیعی از اشکال متحرک و متغیر و فرمهای گوناگون را برای استفاده در فیلمبرداری از جلوه های ویژه فراهم می آورد (از جمله خطوط جداشونده و مقاطع، حجمهای گسترش یابنده یا منقبض شونده). نیز: گرافیک کامپیوتری.

● ضبط قیاسی یا تشبیهی

analog recording

هرنوع سیستم ضبط صدا که صداهای شبیه امواج صوت حاصل کند - برای مثال سیستم ضبط صدای مگنت یا اپتیک. نیز: ضبط رقمی صدا.

● دستگاه نمایش تحلیلی

analytical projector

دستگاه نمایش (پروژکتور) خاصی با رسیده متمم برای نگه داشتن تصاویر و قابها که امکان مطالعه هر قاب در زمان مطلوب را فراهم می آورد. چنین دستگاههای ۱۶ میلیمتری معمولاً در کلاسهای تجزیه و تحلیل فیلم به کار می آیند و در بررسی آثار فیلمسازان و میزانشان آنها بسیار مفیدند. نیز: دستگاه نمایش.

● عدسی آنامورفیک، فیلمبرداری آنامورفیک

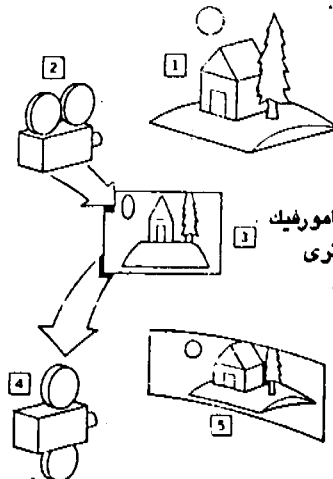
anamorphic lens, anamorphic cinematography

واژه «آنامورفیک» در زبان یونانی به معنای «دوباره فرم دادن» است. در اپتیک، این واژه مترادف هر عدسی بی است که محورهای افقی و عمودی هر تصویر را به نحو متفاوتی از هم بزرگ کند. در سینما، این واژه به عدسی خاصی نظر دارد که روی دوربین فیلمبرداری قرار می گیرد که محور افقی یا عرض تصویر را به نصف تقلیل می دهد تا در عرض قاب فیلم خام بگنجد، و نیز منظور آن عدسی بی است که روی دستگاه نمایش فیلم (پروژکتور) قرار می گیرد تا همان تصویر را به اندازه اصلی و واقعی آن نشان دهد. در هر دو مورد، محور عمودی دست نخورده باقی می ماند و نتیجه حاصل هم تصویری عریض است.

فیلمبرداری آنامورفیک

فیلمبرداری آنامورفیک

- ۱- صحنه ۲- دوربین با عدسی آنامورفیک
- ۳- تصویر فشرده روی فیلم ۳۵ میلیمتری
- ۴- دستگاه نمایش با عدسی آنامورفیک
- ۵- تصویر فشرده ناشده پرده عریض



● عدسی غیر آستیگمات

anastigmat lens

عدسی بی که عیب آستیگماتی آن اصلاح شده است، به عبارت دیگر مشکلی از جهت کانونی شدن شعاعهای نور روی یک نقطه ندارد. نیز: آستیگماتیسم.

angle — camera angle

angle of acceptance — acceptance angle

● زاویه تابش

angle of incidence

زاویه میان اشعه های نور از منبع روشنایی و سطح جسمی که روشن شده است.

● زاویه دید

angle of view

زاویه میدان رویداد یا کنش ضبط شده بر فیلم که حاصل ترسیم خطی فرضی از مرکز عدسی به دو انتهای فوقانی و تحتانی تصویر است (البته میدان واقعی مدور است، اما مثلثی فرض می شود). این زاویه با اندازه فیلم (یا عرض دهانه دوربین) و فاصله کانونی عدسی تعریف می شود. عدسی استاندارد ۵۰ میلیمتری برای فیلم ۲۵ میلیمتری، که تصویری کم و بیش مشابه تصویری که چشم انسان می بیند ارائه می کند، زاویه دیدی نزدیک به ۲۵ درجه دارد، حال آنکه همین زاویه برای فیلم ۱۶ میلیمتری با عدسی دارای فاصله کانونی ۲۵ میلیمتر حاصل می شود. عدسیهای زاویه باز، که فاصله های کانونی آنها کمتر است، متقابلاً زاویه دید وسیع تری در اختیار می نهند. به همین ترتیب عدسیهای با فاصله کانونی زیاد، زاویه دید کمی دارند. گاه زاویه دید با زاویه دوربین اشتباه گرفته می شود، و فاصله دوربین از موضوع به اشتباه عامل اندازه گیری این زاویه قلمداد می گردد. نیز: زاویه دوربین و عدسی. (ادامه دارد)

